حمایت از معلولین در حقوق بین الملل

محمدحسین رمضانی قوام‌آبادی*

طرح‌مسئله: *تعداد زیاد افراد معلول در جهان موجب اتخاذ تدابیر گوناگونی در سطح ملی و بین المللی شد. آسیب پذیر بودن بیش از حد معلولین سبب به انزوا کشیده شدن ایشان می‌شود و به همین دلیل نیز اغلب آن‌ها عملاً قادر به مشارکت در امور اجتماعی نمی‌باشند. تدوین کنوانسیون مربوط به حقوق اشخاص معلول(۲۰۰۶) توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد نقطه عطفی در حمایت از حقوق افراد مزبور تلقی می‌شود. این کنوانسیون در پی شناسایی رفع تبعیض و ایجاد فرصت‌های برابر بین معلولین و سایر افراد می‌باشد. این مقاله در تلاش است ضمن نشان دادن خطوط اصلی کنوانسیون، به تجزیه و تحلیل تعهدات ایران نسبت به سند فوق بپردازد.*

افراد معلول نیازمند توجه ویژه‌ای هستند. حقوق ملی و بین المللی به تدریج به حقوق این افراد توجه کرده است. کنوانسیون ۲۰۰۶ حمایت از اشخاص معلول در سطح بین المللی و قانون حمایت جامع از معلولین مصوب ۱۳۸۳ در سطح ملی نشان‌گر توسعهٔ حقوق این افراد می‌باشد. این مقاله در صدد تجزیه و تحلیل و مقایسهٔ قانون مزبور با مقررات بین المللی است.

روش: *در این تحقیق تلاش می‌شود به صورت توصیفی و تحلیلی موضوع حمایت از حقوق معلولین در سطح بین المللی مورد مطالعه قرار گیرد و با توجه به ملحق شدن ایران به کنوانسیون ۲۰۰۶ ضمن تجزیه و تحلیل این سند به مقایسهٔ آن با مقررات داخلی خصوصاً قانون جامع حمایت از معلولین بپردازیم.*

نتایج: با بررسی و مقایسه کنوانسیون ۲۰۰۶ معلولین و قانون جامع حمایت از معلولین مصوب ۱۳۸۳ کاستی‌ها و خلاءهای موجود در مقررات ایران روشن می‌شود. لذا کنوانسیون بین المللی مزبور الگو مناسبی خوبی برای اصلاح و بازنگری در مقررات ملی تلقی می‌شود. تقویت مقررات این قانون می‌تواند وضعیت معلولین را در حقوق داخلی بهبود بخشد. بازنگری و لحاظ کردن سیاست جنایی پیشگیرانه و حمایت از معلولین در حقوق جزای شکلی و ماهوی از جمله مواردی است که باید مورد توجه مقنن قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: برابری، تبعیض، حقوق بین الملل، حمایت، معلولین

تاریخ دریافت: ۸۸/۱۱/۲۶ ***تاریخ پذیرش:*** ۹۰/۰۳/۱۷

* دکتر حقوق بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی<ramazanighavam@yahoo.com>

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

مقدمه

وضعیت معلولین از دوران باستان مورد توجه جوامع مختلف بوده و بررسی سیر تاریخی این موضوع گواه تحول عمیقی که در این حوزه صورت گرفته است. تلقی معلولیت کودکان در دوران باستان به عنوان مجازات الهی سبب قربانی شدن آن‌ها در پیشگاه الهه‌ها و یا طرد آن‌ها از خانواده و جامعه می‌شد. همین امر باعث شد تا بعداً افلاطون نیز در مورد افراد کر و لال واژهٔ لوگوس (*Logos*) یعنی گفتار و تعقل را به کار گیرد و اعلام نماید که «کسی که حرف نمی‌زند نمی‌تواند تعقل کند.[1]» شاید بتوان انعکاس این موضوع را به گونهٔ دیگری در دورهٔ اساطیری ایران نیز مشاهده کرد. زمانی که زال به سبب داشتن موی سپید مورد بی‌مهری پدر قرار می‌گیرد و به همین علت از خانه رانده و در بیابان رها می‌گردد. (علوی، ۱۳۸۴: ۲)

افراد معلول اغلب به عللی خارج از ارادهٔ خود به نوعی ناتوانی جسمی یا روحی یا هر دوی آن دچار می‌شوند که باید مورد اهتمام جوامع قرار گیرند و اقداماتی در راستای احترام به حقوق ایشان اتخاذ گردد. به طور کلی رویکرد جامعهٔ بشری نسبت به معلولین در سیر زمان متحول شده و می‌توان آن را به سه دوره خلاصه کرد:

دورهٔ اول یا رویکرد سنتی نسبت به معلولین. در این دوره، بیش‌تر قائل به طرد مطلق معلولین بودند و هیچ گونه ارزشی برای آن‌ها در نظر نمی‌گرفتند. ضعف و عدم توانایی ایشان در ادارهٔ امور باعث اتخاذ چنین رویکردی نسبت به معلولین می‌شد. لذا در این دوره نگرش مثبتی نسبت به حضور و فعالیت ایشان در جامعه به چشم نمی‌خورد و بدین جهت آنان از جامعه طرد و یا در مواردی به‌طورکلی از جامعه حذف می‌شدند.

دورهٔ دوم یا شروع توجه به وضعیت معلولین. پایان جنگ‌های جهانی اول و دوم نقطهٔ عطفی برای شروع توجه به وضعیت معلولین بود. بعد از پایان این جنگ‌ها، جامعهٔ رویکرد سنتی و اولیهٔ خود را کنار گذاشت زیرا دیگر نمی‌توانست نسبت به رزمندگان معلول

1- Pas de parole, pas de raison

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

بی‌تفاوت باشد. رزمندگان معلول به مثابهٔ قهرمانان ملی تلقی می‌شدند و به همین دلیل نیز جامعه می‌بایست اقدامات لازم جهت حمایت از حقوق آن‌ها به عمل آورد. این امر خود زمینه ساز توجه به سرنوشت تمامی معلولین اعم از معلولین میدان نبرد و سایر معلولین گردید.

سرانجام دورهٔ سوم یا دورهٔ کنونی است. در این دوره جامعهٔ بشری فاصلهٔ زیادی از رویکرد سنتی خود در قبال معلولین گرفت. به تدریج نگرش جامعه نسبت به افراد معلول متحول گردید و تلاش‌های زیادی در خصوص رعایت و احترام به حقوق ایشان انجام شد. پس بی‌تردید، معلول جزئی از جامعه است و همانند افراد سالم باید از فرصت‌های برابری برخوردار شود. بدین منظور باید زمینهٔ مشارکت وی را تسهیل کرد تا بتواند استعدادهای خود را شکوفا کند.

تدوین مقررات ملی و بین المللی در جهت حمایت از حقوق معلولین نشان دهندهٔ تغییر اساسی در رویکرد سنتی نسبت به معلولین می‌باشد. به منظور حمایت از حقوق معلولین علاوه بر تدوین مقررات، نهادهایی نیز در حقوق داخلی کشورها پیش بینی شده تا رعایت مؤثر حقوق مزبور را تضمین کنند.

اوج گسترش و توسعهٔ حقوق افراد معلول به بعد از دههٔ ۷۰ باز می‌گردد. تصویب اعلامیهٔ حقوق افراد عقب‌ماندهٔ ذهنی ۱۹۷۱، اعلامیهٔ حقوق اشخاص معلول ۱۹۷۵ و اعلام سال ۱۹۸۱ به عنوان سال جهانی معلولین و اختصاص دههٔ ویژه برای معلولین ۱۹۸۳–۱۹۹۲ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد از جمله این تلاش‌ها است. البته سازمان‌های دیگری همچون شورای اروپا[1] و یا به طور خاص سازمان بین‌المللی کار با

1- Recommandation 1854 de l'Assemblée parlementaire, L'accès aux droits des personnes handicapées et leur pleine et active participation dans la société, 2009, Arrêté n° 1297 relatif aux mesures spéciales pour le recrutement des personnes handicapées, Le Secrétaire Général du Conseil de l'Europe, 6 janvier 2009, Résolution 227 (2007), Accès des personnes handicapées aux infrastructures et espaces publics, 2007.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

رویکرد محدودتری در ۱۹۵۵ و ۱۹۸۳ در مورد توانبخشی حرفه‌ای افراد معلـول و اشـتغال آنان توصیه‌نامه‌ها و مقاوله‌نامه‌ها تصویب کرده‌اند[1]. همان طور که مشاهده می‌شـود از نظـر تاریخی، غالب این اسناد مربوط به بعد از جنـگ جهـانی دوم بـوده و از حیـث وجـودی، می‌توان ادعا کرد که این اسناد بیش از هر چیز تحت تأثیر مستقیم توسعه و ارتقاء موضـوع حقوق بشر در جهان بوده است. اما آخرین سند بین المللی در مورد معلـولان، کنوانـسیون حقوق اشخاص معلول مصوب ۲۰۰۶ می‌باشد[2] که به منظور حمایت بیش‌تر از معلولین بـه تصویب رسیده است.

اگر بخواهیم ریشه‌یابی دقیقی از علت افزایش معلولین به دست دهیم باید چند نکته را متذکر شد:

الف) تفاوت فاحشی از حیث کمی بین میزان افراد معلول در کشورهای توسعه یافتـه و در حال توسعه وجود دارد. رعایت استانداردها بهداشـتی و نظامـات حرفـه‌ای و غیـره در کشورهای توسعه یافته موجب کاهش علل معلولیت می‌شود. علاوه بر آن باید به نـائرهٔ جنگ‌های داخلی و بین المللی اشاره کرد که بـیش‌تـر در کـشورهای در حـال توسـعه شعله‌ور است و موجب معلولیت‌های مختلفی می‌گردد.

ب) بررسی مقررات ملی کشورها توسعه یافته و در حال توسـعه گویـای تـضمین مـؤثر و بهتر حقوق معلولین در کشورهای توسعه یافته است. البته این بدین معنا نیست که هیچ اقدامی در این باره درکشورهای در حال توسعه صورت نگرفته است.

ج) معلولیت علل و عوامل زیادی دارد و به تناسب این علل می‌توان آن‌ها را به دسـته‌هـای مختلفی طبقه‌بندی کرد. اما مـا تنهـا بـه دو دسـتهٔ کلـی معلولیـت‌هـای زمـان صـلح و

1- Convention concernant la réadaptation professionnelle et l'emploi des personnes handicapées, 20 juin 1985(Convention 159), La gestion du handicap sur le lieu de travail, Recueil de directives pratiques du BIT, Genève, Bureau international du Travail, 2002.

۲ـ کنوانسیون حقوق اشخاص معلول به موجب بند ۱ مادهٔ ۴۵ در تاریخ ۳ مه ۲۰۰۸ لازم الاجرا شـده و در حـال حاضـر توسط ۱۴۴ کشور امضاء و ۷۷ کشور مورد تصویب واقع شده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

معلولیت‌های زمان مخاصمه بسنده می‌کنیم. علل معلولیت زمان صلح بیش‌تر ناظر به عدم رعایت بهداشت، حوادث رانندگی، حوادث کار و غیره می‌باشد در حالی که منظور از علل معلولیت زمان مخاصمهٔ مسلحانه به تمامی حوادثی اطلاق می‌شود که برای رزمندگان و افراد غیر نظامی در حین جنگ رخ می‌دهد. در میان تسلیحات موجود، مین‌های ضد نفر بیش از سایر تسلیحات موجب معلولیت می‌شوند. به کارگیری این سربازان خاموش و خستگی ناپذیر موجب نقض یکی از اصول بنیادین حقوق مخاصمات مسلحانه یعنی اصل تفکیک بین افراد نظامی و غیر نظامی نیز می‌گردد.

پس، معلولین یکی از گروه‌های اجتماعی آسیب پذیر محسوب می‌شوند که به واسطهٔ وضعیت جسمی و روحی‌شان محتاج توجه خاصی می‌باشند. قریب ۶۵۰ میلیون نفر یعنی حدود ۱۰ درصد از جمعیت جهان از ناتوانایی‌هایی جسمی رنج می‌برند که بیش از دو سوم این افراد در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند. (General Assembly, A/64/180, 27 juillet 2009: 4) لذا شاید بتوان ادعا کرد که معلولین بزرگ‌ترین اقلیت جامعهٔ بین المللی را تشکیل می‌دهند و به همین سبب نیز در حال حاضر توجه خاصی به این گروه می‌شود.

مطالعهٔ این موضوع از این جهت برای ما مهم می‌نماید که ایران دارای تعداد قابل توجهی معلول می‌باشد. بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، آمار معلولان زیر ۲۵ سال حدود ۴۵۰ هزار نفر اعلام شده است؛ این در حالی است که کارشناسان تعداد معلولان کشور را در تمام گروه‌های سنی حدود ۱۲ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر می‌دانند. (http: //www.idp.ir/find.php?item=1.60.657.fa) مقایسه این آمار نسبت به کل جمعیت ایران مبین این واقعیت است که معلولین قشر نسبتاً بزرگی از جامعهٔ ایران را تشکیل می‌دهند و به همین جهت نیز باید برنامه‌ریزی دقیقی در خصوص آن‌ها صورت گیرد. وضع مقررات حمایتی در عرصه‌های گوناگون می‌تواند قدری از آلام ناشی از

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

محدودیت‌های ذاتی این افراد را مرتفع سازد تا بتوانند علی‌رغم این محدودیت‌ها از مشارکت کامل و ایجاد فرصت‌های برابر با دیگران برخوردار شوند.

دولت جمهوری اسلامی ایران همانند بسیاری از کشورها اقداماتی به منظور حمایت ازمعلولین انجام داده است. تصویب قانون جامع حمایت از معلولین در سال ۱۳۸۳ و الحاق به کنوانسیون مربوط به حقوق اشخاص معلول در سال ۲۰۰۹ در همین راستا مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

به طور کلی رویهٔ داخلی کشورها در حوزهٔ حمایت از حقوق معلولان از تنوع زیادی برخوردار است زیرا برخی از آن‌ها به طور صریح به اصل عدم تبعض علیه معلولان اشاره و آن را در مقررات کیفری خود جرم انگاری کرده‌اند. برای مثال قانون مجازات فرانسه در فصل پنجم خود زیر عنوان تعرض به کرامت اشخاص، موضوع تبعیض علیه معلولین را لحاظ کرده است. مادهٔ ۱-۲۲۵ این قانون مقرر می‌دارد: «هر گونه تمایز میان اشخاص حقیقی به دلیل اصل و نسب، جنس، [...] وضعیت سلامت، معلولیت [...] تعیین شده جرم تبعیض را تشکیل می‌دهد...» در بند دوم همین ماده، مقنن مجازات ۳ سال حبس و ۴۵ هزار یورو جزای نقدی را برای فردی که اقدامات تبعیض‌آمیز نسبت به معلولین انجام دهد، اِعمال خواهد کرد. در حالی که برخی دیگر از کشورها تنها به صورت عام ممنوعیت تبعیض را مورد شناسایی قرار داده‌اند و از معلولین به طور خاص یاد نشده است. لازم به ذکر است که مطالعهٔ تطبیقی بین نظام‌های مختلف به هیچ وجه در دستور کار این تحقیق قرار ندارد و بیش‌تر به مقررات بین المللی خصوصاً کنوانسیون حقوق اشخاص معلول خواهیم پرداخت. با وجود این به طور خاص به رویکرد نظام حقوقی ایران نسبت به افراد معلول و تعهدات ایران در قبال کنوانسیون پیش گفته را به تفصیل مورد تجریه و تحلیل قرار خواهیم داد. این تحقیق بیش‌تر حول پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر می‌چرخد:

آیا کنوانسیون حقوق اشخاص معلول، حقوق جدیدی را برای معلولین ایجاد کرده است یا این که صرفاً اعلام کنندهٔ حقوق از قبل موجود می‌باشد؟ آیا ساز و کارهای اجرایی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

این کنوانسیون با سایر کنوانسیون‌های بین المللی متفاوت است؟ ملحق شدن اخیر دولت جمهوری اسلامی ایران به این کنوانسیون چه تعهداتی را در صحنه بین المللی پذیرفته است؟

بنابراین به منظور پاسخ گویی به این پرسش‌ها تلاش خواهیم کرد به صورت توصیفی و تحلیلی در طی چهار بخش به موضوع شناسایی حقوق معلولین (بخش اول)، تضمین و رعایت این حقوق (بخش دوم)، تعهدات ایران نسبت به رعایت مفاد کنوانسیون حقوق اشخاص معلول (بخش سوم) و تدابیر تقنینی ایران در راستای تحقق حقوق اشخاص معلول (بخش چهارم) بپردازیم.

بخش اول، شناسایی حقوق معلولین: از حقوق اعلامی تا حقوق الزامی

در شکل‌گیری قواعد و مقررات مربوط به حمایت از معلولان هم بازیگران دولتی و هم بازیگران غیر دولتی نقش به سزایی ایفا کرده‌اند. در این میان باید جایگاه والایی به نقش ایفا شده توسط سازمان ملل متحد اختصاص داد؛ زیرا سازمان مربوطه نقش محوری در برگزاری کنفرانس‌های مختلف داشته و دارد. اولین سند بین المللی که در چارچوب سازمان ملل متحد برای حمایت از معلولین به تصویب رسید، اعلامیهٔ حقوق اشخاص معلول[1] می‌باشد که در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۷۵ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. در دیباچهٔ این اعلامیه، مجمع عمومی سازمان ملل متحد به رعایت حقوق بشر، آزادی‌های بنیادین، کرامت و ارزش‌های انسانی و عدالت اجتماعی اشاره می‌کند تا از این

۱ـ البته لازم به ذکر است قبل از این اعلامیه، مجمع عمومی سازمان ملل متحد سند دیگری تحت عنوان اعلامیهٔ حقوق عقب ماندگی ذهنی در تاریخ ۲۰ دسامبر ۱۹۷۱ تصویب کرده بود. در مقدمهٔ این اعلامیه به طور صریح به اسناد حقوق بشری قبل از خود اشاره می‌کند و مواردی هم چون برخورداری از حقوقی مشابه با سایر افراد انسانی (مادهٔ ۱)، برخورداری از درمان و مراقبت‌های پزشکی (مادهٔ ۲)، امنیت اقتصادی و داشتن و انجام یک حرفه (مادهٔ ۳)، در صورت امکان با خانواده بودن و در غیر این صورت در کانون(مادهٔ ۴)، داشتن قیم برای حمایت از عقب مانده و اموال وی (مادهٔ ۵)، حفاظت از وی در مقابل سوء استفاده‌ها یا رفتارهای بی‌رحمانه (مادهٔ ۶) و وخامت وضعیت عقب مانده و اعمال محدودیت یا حذف حقوق وی (مادهٔ ۷)، را پیش بینی می‌کند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

طریق همان طوری که خود اعلامیه مقرر کرده است به عنوان مبنا و مرجعی مشترک بـرای حمایت از حقوق معلولین تلقی گردد.

(Declaration on the Rights of Mentally Retarded Persons,1971: preamble)

اقدامات مجمع عمومی با صدور اسناد غیر الـزام آور در زمینـهٔ حقـوق معلـولان آغـاز گردید و اکنون نیز توسعه وگسترش زیادی پیدا کرده تا این که امروزه حتی یک کنوانسیون بین المللی در این زمینه تنظیم شده است کـه در ادامـه بـدان خـواهیم پرداخـت. بـیش‌تـر اسنادی که در قالب قطعنامه در چارچوب اقدامات مجمع عمومی سـازمان ملـل متحـد بـه تصویب می‌رسند جنبهٔ اعلامی داشته و غیر الزام آور می‌باشند ولی در صورت تکرار آن‌هـا در طولانی مدت می‌تواند در عنصر ساختی عرف مؤثر باشد.

مبنای اصلی تضمین حقوق معلولین منوط به رعایت اصل برابری در جامعه اسـت؛ بـه عبارت دیگر اصل برابری مثل همیشه ضامن مطمئنی برای اجرای حقوق معلولین می‌باشد. رشد و تحول حقوق حمایتی مربوط به معلولان به طور مستقیم و غیر مستقیم در اکثر اسناد بین المللی مربوط به حقوق بشر پیش بینی شده است. پیش بینی چنین تـدابیری مـی‌توانـد گواهی بر رعایت اصل بنیادین برابری و عدم تبعیض در جامعهٔ بین المللی باشد.

یکی از جلوه‌های مهم رعایت حقوق بشر اصل عدم تبعیض است. این اصل در اغلـب اسناد نظام بین المللی حقوق بشر مورد شناسایی قرار گرفته و به عنوان یکـی از پایـه‌هـای اصلی این نظام تلقی می‌گردد. اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر و میثاقین حقوق مدنی و سیاسـی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تلاش کردند تا اصل عدم تبعیض را به شـکل عـام صورتبندی کنند تا از این طریق رعایت حقوق بشر را در سطح بین المللی نهادینه سازند.

تحقق واقعی این حقوق در بعـضی از مـوارد بـه صـرف رعایـت ایـن اصـل تـضمین نمی‌شود. لذا با بهره‌گیری از سازوکار تبعیض مثبت تلاش شد تا حمایت مؤثری از بعـضی از اقشار آسیب پذیر جامعه همچون معلولین به عمل آید. به عبارت دیگر اصـل عـام عـدم تبعیض ذکر شده در اسناد اولیهٔ حقوق بشر مجدداً در اسناد بعدی همچون اسناد بین المللی مربوط به زنان، کودکان و در نهایت در کنوانـسیون حقـوق اشـخاص معلـول ۲۰۰۶ مـورد

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

تأیید و تأکید قرار گرفت و از این منظر تلاش شد تا حقوق ترجیحی را برای این افـراد در نظر بگیرند.

جنگ، فقر و شرایط نامناسب بهداشتی از مهم‌ترین عوامل معلولیـت در کـشورهای در حال توسعه می‌باشد. صرف نظـر از نـوع معلولیـت(مـادرزادی یـا اکتـسابی) و ماهیـت آن (موقت یا دائمی)، معلولین باید از کلیهٔ حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برخوردار شوند و ناتوانایی‌های جسمی و روحی آن‌ها نباید بهانه‌ای برای اعمال تبعیض شود. البته ذکر این نکته نیز لازم است که در بین خود معلولین نیز، دو گروه زنان و کودکان علاوه بر مشکلات مربوط به معلولیت شان با تبعیض‌های دیگری نیز دست و پنچه نرم می‌کنند که این امر بر مصائب ایشان می‌افزاید.

در طول عمر سازمان ملل متحد، اقـدامات زیـادی در خـصوص حمایـت از معلـولین صورت گرفته است که این امر جدا از اهداف اصلی آن سازمان نیست. اصل برابـری یکـی از مهم‌ترین اصولی است که بر ایجاد سازمان ملل متحد حاکم بوده و رعایـت آن در تمـام زمینه‌ها برای همه، توجه قرار گرفته است. اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر در دیباچـهٔ خـود بـر «حیثیت ذاتی کلیهٔ اعضای خانوادهٔ بشری و حقـوق یکـسان و انتقـال ناپـذیر آنـان» تأکیـد می‌کند و آن را «اساس آزادی، عدالت و صلح» در جهان می‌داند. مادهٔ یـک اعلامیـه مزبـور مقرر می‌دارد که «تمام افراد بشر از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند...» و در ادامه، مادهٔ دوم اعلامیهٔ مزبور اشعار می‌دارد که «هر کس می‌تواند بدون هیچ گونه تمایز، مخـصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، عقیدهٔ سیاسی یا هر عقیدهٔ دیگر و هم چنـین ملیـت، وضـع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمـام حقـوق و کلیـهٔ آزادی‌هـایی کـه در اعلامیهٔ حاضر ذکر شده است، بهره مند گردد...» لازم به ذکر است که موارد فوق بـه طـور مستقیم و غیر مستقیم در سایر اسناد حقوق بشری نیز درج شده‌اند.

توجه به مصادیق مقوله‌های مختلف حقوق بشر همچون بهداشت برای همـه، آمـوزش برای همه، محیط زیست سالم برای همه و سایر حقوق، گواهی بر این برابری‌ها مـی‌باشـد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

لذا در صورت رعایت و تضمین اصل برابری در جامعه، عدالت اجتماعی محقق خواهد شد. پس با توجه به مطالبی که در بالا ذکر شد، می‌توان چنین استنباط کرد که معلولین می‌توانند و باید از حقوق بنیادین همانند سایر افراد برخوردار شوند. لذا به سبب اهمیت موضوع از دههٔ هفتاد بدین سو، اقدامات گسترده‌ای در سطح ملی، منطقه‌ای و بین المللی برای رعایت و تضمین حقوق معلولین صورت پذیرفته است. تمام سیاست‌های حمایتی مربوط به معلولین تابع مهمی از برابری شانس‌ها می‌باشد؛ بدین معنی که جامعه باید از کلیهٔ منابعش به نحوی استفاده کند که تمام افراد اعم از معلول و غیر معلول شانس برابری برای مشارکت در جامعه داشته باشند. به تدریج اسناد گوناگونی در این زمینه به تصویب رسید که اعتبار هر یک از آن‌ها با دیگری فرق می‌کند و بسته به قالبی که آن سند در آن شکل گرفته متفاوت است. تصویب کنوانسیون مربوط به حقوق اشخاص معلول مصوب ۲۰۰۶ به مثابهٔ آخرین ره آورد جامعهٔ بین المللی است و به واقع بیان‌گر گام اول جهت گذار از مرحلهٔ حقوق اعلامی به حقوق الزامی می‌باشد.

اگر به دقت مفاد کنوانسیون ۲۰۰۶ مورد ملاحظه قرار دهیم موارد زیر بیش از هر چیز دیگری توجه ما را به خود جلب می‌کند: اولاً اگر چه کنوانسیون ۲۰۰۶ گروهی از افراد انسانی که دارای وضعیت خاصی هستند را مورد توجه داده و مقرراتی را وضع کرده است؛ ولی مفاد این کنوانسیون گویای این واقعیت است که این سند اصول جدیدی را وضع نکرده است زیرا بیش‌تر این اصول همان اصول از قبل موجود در سایر اسناد بین المللی است. شاید علت اختصاص یک کنوانسیون ویژه به افراد معلول در راستای حمایت مضاعف از افراد به شدت آسیب پذیر جامعه باشد.

لذا کنوانسیون ۲۰۰۶ نقطهٔ عطفی در حمایت از آسایش اجتماعی و کرامت انسانی معلول تلقی می‌شود. ثانیاً، علاوه بر این، کنوانسیون تلاش کرده حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را برای معلولین مورد شناسایی قرار دهد. حقوقی که قبل از تصویب این کنوانسیون در سایر اسناد حقوق بین المللی وجود داشته است. نگارش

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

کنوانسیون حقوق اشخاص معلول به صورتی است که بیش‌تر حقـوق اعلامـی را بـه ذهـن خواننده متبادر می‌کند تا یک حقوق الزامی که در بـیش‌تـر کنوانـسیون‌هـا رایـج و معمـول می‌باشد. برای مثال نحوهٔ نگارش و به کارگیری افعالی چون «شناسایی می‌کننـد» (مـواد ۵، ۱۸، ۱۹، ۲۴، ۲۷، ۳۰ و ۳۲)، «اتخاذ می‌کننـد» (مـواد ۹، ۱۵، ۲۰، ۲۱، ۲۳ و ۳۰)، «تـصدیق می‌کنند» (۱۰و۱۲)و«همکاری می‌کنند» (۳۷) مبین چنین امری می‌باشد. (Zani, 2008)

کنوانسیون حقوق اشخاص معلول با یک دیباچهٔ نسبتاً طولانی در ۲۵ بند، ضمن تأکیـد بر حقوق و آزادی‌های اساسی بشر در تلاش است معلولین را مورد حمایـت خـاص خـود قرار دهد. بدین منظور در دیباچهٔ کنوانسیون از یک طرف بر اصل غیر قابل تقسیم بـودن و وابستگی متقابل حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین و ضرورت تضمین برخورداری اشـخاص معلول بدون تبعیض و از طرف دیگر بر ضرورت ادغـام اصـل برابـری جنـسیتی در تمـام کوشش‌های مربـوط بـه ارتقـاء و برخـورداری کامـل اشـخاص معلـول از حقـوق بـشر و آزادی‌هـای بنیـادین تأکیـد مـی‌کنـد. (Convention on the Rights of the Persons with Disabilities, 2006: preamble) بعـد از احـصای اصـول گونـاگون در دیباچـه، مـادهٔ ۳ کنوانسیون زیر عنوان اصول کلی، مجدداً اصولی را ذکر می‌کند که به قرار زیر می‌باشند:

الف) احترام به کرامت ذاتی، اسـتقلال فـردی، شـامل آزادی انتخـاب و عـدم وابـستگی اشخاص؛ ب) عدم تبعیض؛ ج) مشارکت و ادغـام کامـل و مـؤثر در جامعـه؛ د) احتـرام بـه تفاوت‌ها و پذیرش اشخاص معلول به عنوان بخشی از تنـوع انـسانی و بـشری؛ ه) برابـری فرصت‌ها؛ و) دست‌رسی؛ ز) برابری بین مردان و زنان؛ ح) رعایـت پیـشرفت توانـایی‌هـای کودکان معلول و رعایت حقوق کودکان معلول برای حفظ هویت آن‌ها. (*Ibid*, Art. 3)

علی رغم تأکید کنوانسیون برابری و برخورداری از حقوق و آزادی‌هـای بنیـادین بـین معلولین و سایر افراد، به نظر می‌رسد که کنوانسیون به نحـوی تـلاش کـرده اسـت کـه بـه برخی از معلولین توجه ویژه‌ای مبذول دارد. کنوانسیون به طور صریح دو گروه از معلولین یعنی زنان و دختران و کودکان را مورد حمایت ویژه قرار داده است. شاید علت ایـن امـر،

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

ناشی از آسیب پذیر بودن بیش از حد بخشی از معلولان نسبت به سایر گروه‌ها باشد. البته لازم به ذکر است که این اولین باری نیست که این گروه‌ها مورد توجه واقع شده‌اند بلکه سایر اسناد بین المللی[1] نیز این افراد را مورد حمایت خود قرار داده‌اند.

به طور سنتی در جوامع، زنان و مردان دارای نقش‌های متفاوتی بوده‌اند و همین امر در بعضی از مواقع سبب خشونت‌های کم و بیش پنهانی علیه زنان به ویژه در درون خانواده‌ها شده است. آن چه که بیش از هر چیز دیگر در این خصوص مورد توجه قرار گرفته و باعث اتخاذ چنین تدابیر در سطح بین المللی شدهٔ موضوع جنیست و موقعیت سنی این گروه‌ها از یک طرف و واقعیات اجتماعی جامعه بین المللی از طرف دیگر می‌باشد. از حیث جنسیتی، زنان و دختران معلول در معرض خطرات عدیده‌ای همچون تعرض به تمامیت جسمانی، بد رفتاری در داخل خانواده‌ها و سوء استفاده و خشونت‌های جنسی در خارج خانواده قرار می‌گیرند. این قضیه در مورد کودکان نیز تا حدودی صادق است زیرا علاوه بر صغر سن، معلولیت آن‌ها می‌تواند ایشان را در موقعیت خیلی دشوار قرار دهد. به همین جهت کنوانسیون مواد ۶ و ۷ خود را به این افراد اختصاص داده است.

مادهٔ ۶ کنوانسیون زیر عنوان زنان معلول مقرر می‌دارد: «۱. دول عضو شناسایی می‌کنند که زنان و دختران معلول در معرض تبعیض‌های مختلفی هستند و از این نظر تدابیری را جهت حصول اطمینان از برخورداری کامل آنان در شرایط برابر از تمام حقوق انسانی و آزادی‌های بنیادین را اتخاذ کنند. ۲. دول عضو تمام تدابیر مناسب برای تضمین شکوفایی کامل، ارتقاء و توانمندسازی زنان به منظور تضمین اجرا و بهره مندی از حقوق انسانی و آزادی‌های بنیادین اعلام شده در این کنوانسیون را اتخاذ کنند.»

و در مادهٔ ۷ کنوانسیون زیر عنوان کودکان معلول اشعار می‌دارد که «دول عضو تمام تدابیر لازم برای تضمین بهره مندی کامل کودکان معلول از تمام حقوق انسانی و

۱ـ کنوانسیون بین المللی حذف تمام انواع تبعیض‌ها علیه زنان و کنوانسیون حقوق کودک.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

آزادی‌های بنیادین بر اساس برابری با سایر کودکان را اتخاذ کنند. ۲. در تمام تصمیمات مربوط به کودکان، منافع عالیهٔ کودک باید ازملاحظات اصلی و مهم باشد. ۳. دول عضو برای کودکان معلول بر اساس برابری با سایر کودکان، حق ابراز آزادانهٔ عقیده در مورد هر موضوع مورد علاقهٔ کودک معلول را تضمین کنند و نظرات کودک با توجه به سن و درجهٔ بلوغش مورد توجه قرار گیرد و مطابق با معلولیت و ملاحظات سنی کمک لازم برای اجرای این حق به عمل آید.»

همان طور که مشخص شد، کنوانسیون نسبت به این اشخاص اهتمام خاصی مبذول داشته و بر آن بوده تا تأکید مجددی نسبت به رعایت حقوق این گروه به شدت آسیب پذیر جامعه بشود. تا جایی که کنوانسیون در بند ۵ ماده ۱۶ خود اعلام می‌کند که «دول عضو مقررات و سیاست‌های مؤثری شامل مقررات و سیاست‌هایی با محوریت زنان و کودکان جهت تضمین شناسایی، تحقیق و در صورت لزوم تعقیب عوامل سوء استفاده، خشونت و بدرفتاری نسبت به اشخاص معلول را وضع کنند.»

با توجه به مطالبی که در بالا ذکر شد، مناسب است به ساز و کارهای اجرایی کنوانسیون بپردازیم و ببینیم به چه شکل مفاد کنوانسیون مزبور رعایت و تضمین می‌شود.

بخش دوم، تضمین و رعایت حقوق معلولین: از رکن ناظر تا شیوه‌های نظارت

کنوانسیون حقوق اشخاص معلول به منظور نظارت و اجرای مقررات آن از وسائل و ابزار سنتی حقوق بین الملل یعنی گزارش دهی دوره‌ای مندرج در اسناد حقوق بشری استفاده کرده است. رسیدگی به این گزارش‌ها را به عهدهٔ نهادی به عنوان «کمیتهٔ حقوق اشخاص معلول» گذارده است که در این بخش به بررسی و مطالعهٔ آن خواهیم پرداخت.

در اکثر اسناد حقوق بشر، ساز و کار گزارش دهی به عنوان شایع‌ترین شیوه جهت نظارت بر اجرای مفاد کنوانسیون‌های حقوق بشری می‌باشد. در این کنوانسیون‌ها از دول عضو خواسته می‌شود تا به صورت دوره‌ای گزارشی از نحوهٔ اجرای مفاد سند مورد نظر را

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

در اختیار رکن ناظر بگذارند. معمولاً این رکن در اسناد حقوق بشری تحت عنوان «کمیته» شناخته می‌شود. در کنوانسیون حقوق اشخاص معلول نیز کمیته‌ای تحت عنوان «کمیتهٔ حقوق اشخاص معلول» پیش بینی شده است.

این کمیته متشکل از ۱۸ عضو است و عضویت ایشان به هیچ وجه به عنوان نماینده دول متبوع خود تلقی نمی‌شود. افرادی که در این کمیته عضویت دارند معمولاً از اشخاصی هستند که دارای سجایای اخلاقی و صلاحیت و تجربهٔ لازم و کافی در اموری که مورد توجه این کنوانسیون می‌باشند. از حیث انتخاب این افراد باید به این نکته توجه داشت که اعضای کمیته با توجه به تقسیمات جغرافیایی عادلانه به نحوی که ایشان نمایندگان تمدن‌های گوناگون و سیستم‌های اصلی حقوقی باشند و در ضمن تناسب جنسیتی بین اعضای گروه از لحاظ زن و مرد بودن رعایت شود. همان طور که در بالا نیز ذکر شد این افراد باید دارای صلاحیت و تجربهٔ لازم و کافی در مورد مسائل و مشکلات معلولین باشند.

به منظور انتخاب اعضای کمیتهٔ حقوق اشخاص معلول، دول عضو کنوانسیون هر کدام اشخاصی را معرفی می‌کنند و لیستی از نام تمامی اشخاص تهیه می‌شود و در نهایت این دول عضو هستند که اعضای کمیته را از لیست تهیه شده، انتخاب خواهند کرد. مدت عضویت هر یک از اعضای کمیته ۴ سال است و انتخاب مجدد آن‌ها برای یک دوره بلامانع است.

از حیث شیوه‌های نظارت و اجرا، کنوانسیون‌های بین المللی حقوق بشری ساز و کارهای متعددی برای نظارت پیش بینی می‌کنند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به گزارش، اطلاعات ارسالی دولت‌ها، اطلاعات ارسالی افراد، تحقیق، آئین‌های ویژه و غیره اشاره کرد. گزارش دهی یکی از شایع‌ترین ساز و کارهایی است که در اغلب اسناد حقوق بشری جهت نظارت بر اجرای مفاد آن‌ها وجود دارد. در این کنوانسیون‌ها از دول عضو خواسته می‌شود به صورت دوره‌ای گزارشی از نحوهٔ اجرای مفاد سند مورد نظر در اختیار رکن ناظر بگذارند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

با الهام از اسناد حقوق بشری قبل از خود، کنوانسیون حقوق اشخاص معلول نیز نهادی به نام کمیتهٔ حقوق اشخاص معلول برای این مهم در نظر گرفته که وظیفهٔ دریافت گزارشات دوره‌ای دول عضو در خصوص اجرای مفاد کنوانسیون را به عهده دارد. پس این گزارش‌ها توسط دولت‌های عضو تهیه شده و توسط ارگان ناظر کنوانسیون یعنی کمیتهٔ حقوق اشخاص معلول مورد بررسی قرار می‌گیرد. بعد از بررسی گزارش توسط کمیتهٔ مزبور، توصیه‌هایی جهت بهتر شدن اجرا و رعایت کنوانسیون به دولت می‌شود.

گزارشات دولت‌ها در بر دارندهٔ مشکلات و موانعی است که دولت‌ها را از انجام تعهدات ناشی از کنوانسیون باز می‌دارد. به منظور تسهیل تهیهٔ این گزارشات کمیتهٔ حقوق اشخاص معلول اقدام به تهیهٔ یک دستور العمل کرده است که دول عضو کنوانسیون مطابق آن عمل می‌کنند. اولین گزارش دولت، ۲ سال بعد از لازم الاجرا شدن کنوانسیون نسبت به آن دولت، تقدیم کمیته می‌گردد در حالی که برای گزارش‌های دوره‌ای و سایر گزارش‌های تکمیلی که ضرورت آن توسط کمیتهٔ مزبور اعلام می‌شود، ارسال می‌گردد. (Convention on the Rights of the Persons with Disabilities, 2006: Art. 35) به منظور تقویت و بهبود سیستم گزارش دهی، یک پروتکل اختیاری[1] نیز به تصویب رسیده است. این پروتکل از جهات زیر قابل توجه است: اولاً این پروتکل آئین‌های شکایت یا همان اطلاعات ارسالی از طرف افراد را پیش بینی کرده است. در واقع از این طریق می‌توان نسبت به نقض مقررات کنوانسیون توسط دولت‌ها اعتراض کرد. ثانیاً فرد به تنهایی یا به صورت جمعی و در قالب یک انجمن حمایت از حقوق معلولین قادر به مراجعه به کمیتهٔ حقوق اشخاص معلول می‌باشد. ثالثاً الحاق به پروتکل اختیاری است. پس بنابراین در صورتی که کشوری پروتکل اختیاری را نپذیرفته باشد در این صورت کمیته هیچ ترتیب اثری به شکایات یا اطلاعات ارسالی افراد نمی‌دهد. به عبارت دیگر برای رسیدگی به چنین مواردی دولت مربوطه باید به طور صریح صلاحیت کمیته را پذیرفته باشد.

۱ـ پروتکل اختیاری به کنوانسیون حقوق اشخاص معلول به موجب بند ۱ ماده ۱۳ در تاریخ ۳ مه ۲۰۰۸ لازم الاجرا شده و در حال حاضر توسط ۸۸ کشور امضاء و ۴۸ کشور مورد تصویب واقع شده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

اگر دول عضو صلاحیت کمیته را مطابق با پروتکل پذیرفته باشند در این صورت اقدام به رسیدگی آن می‌کند. (The rights of Persons with Disabilities and the Optional Protocol, 2006: Art. 1) زمانی که اطلاعات ارسالی به حد کافی مستدل باشد و مطابق با با مقررات کنوانسیون باشد، کمیته به این اطلاعات وقعی می‌نهد و به رسیدگی خود ادامه می‌دهد. رسیدگی به این گزارشات به صورت غیر علنی است و در نهایت منتهی به اتخاذ پیشنهادات و توصیه‌هایی می‌شود که به دولت عضو ذی‌نفع و شاکیان ارسال می‌گردد. در صورتی که نقض مقررات کنوانسیون شدید و سازمان یافته باشد در این صورت کمیته می‌تواند یک یا چند نفر از اعضای خود را با موافقت دولت عضو ذی‌نفع برای انجام یک تحقیق در محل مأمور نماید. این تحقیق حالت محرمانه دارد و کمیته می‌تواند از دولت عضو ذی‌نفع بخواهد تا اطلاعات مربوط به تدابیر اتخاذ شده در پی تحقیق را در گزارش خود که مطابق مادهٔ ۳۵ کنوانسیون تهیه می‌کند، درج نماید.

همان‌طورکه در بالا ذکر شد مهم‌ترین ساز و کار نظارتی در کنوانسیون حقوق اشخاص معلول ۲۰۰۶ گزارش دهی دوره‌ای است. این شیوه نظارت معاهده‌ای موجب برانگیختن انتقادات زیادی شده است. اعمال این شیوه از جهات عدیده منوط به حسن نیت دول عضو کنوانسیون می‌باشد. دولت‌های عضو کنوانسیون نه تنها باید در موعد مقرر مطابق با کنوانسیون گزارش‌های دوره‌ای خود را تقدیم کمیتهٔ حقوق اشخاص معلول بکنند، بلکه اطلاعات مندرج در گزارش باید اطلاعات صحیح و درستی باشند. بنابراین ابتکار عمل در حوزهٔ گزارش دهی قبل از هر چیز بستگی زیادی به دولت عضو دارد. البته این چنین مشکلی تنها محدود به کنوانسیون حقوق اشخاص معلول نیست بلکه در سایر اسناد حقوق بشری که این شیوهٔ نظارت را انتخاب کرده‌اند، وجود دارد.

یکی از مهم‌ترین پیشنهادات ارائه شده به منظور رفع چنین نقیصه‌ای متحدالشکل کردن گزارش‌ها بوده است. مطابق این نظریه دولت‌ها موظف به تنظیم یک گزارش واحد برای کنوانسیون‌های گوناگون حقوق بشری می‌باشند. برای مثال کشور «الف» که عضو دو

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

کنوانسیون حقوق کودک و کنوانسیون حقوق اشخاص معلول است به جای این که کشور مزبور برای هر یک از این کنوانسیون‌ها به صورت جداگانه گزارش دوره‌ای تهیه کند تنها اقدام به تهیهٔ یک گزارش واحد نماید و در آن موارد و موانع اجرای کنوانسیون‌های مزبور را ذکر نماید.

پر واضح است از این طریق نوعی تمرکز در سیستم نظارت بر کنوانسیون‌های حقوق بشری از جمله کنوانسیون حقوق اشخاص معلول ایجاد می‌شود. تمرکز گزارش‌های مختلف در یک گزارش واحد مستلزم ایجاد یک رکن واحد نظارتی می‌باشد، به عبارت دیگر کمیته‌های پیش بینی شده در کنوانسیون‌های حقوق کودک و حقوق اشخاص معلول و سایر کنوانسیون‌های حقوق بشری مجتمع شوند تا از این طریق بتوانند نسبت به گزارش ارسالی هر یک از دولت‌ها که مشتمل بر اجرای مفاد اسناد مختلف می‌باشد، تصمیم بگیرند.

به هر تقدیر برابر مفاد ماده ۳۵ کنوانسیون، دول عضو موظف به دادن گزارش جامعی از تدابیر اتخاذی خود در راستای انجام تعهدات پذیرفته شده به موجب این کنوانسیون می‌باشند. این گزارش باید ۲ سال بعد از لازم الاجرا شدن کنوانسیون به کمیتهٔ حقوق اشخاص معلول تسلیم گردد. از آن جا که این کنوانسیون در تاریخ ۳ می۲۰۰۸ لازم الاجرا شده است، هنوز گزارشی به این کمیته واصل نگردیده و بنابراین بررسی این گزارشات در حال حاضر عملاً غیر ممکن است.

بعد از تشریح حقوق حمایت از معلولین مندرج در کنوانسیون ۲۰۰۶ و ساز و کارهای اجرایی آن به بررسی اقدامات دولت ایران در زمینهٔ حمایت از حقوق معلولین و تعهدات این کشور نسبت به این کنوانسیون می‌پردازیم.

بخش سوم، تعهدات ایران نسبت به رعایت مفاد کنوانسیون حقوق اشخاص معلول مصوب ۲۰۰۶

ایران با دارا بودن تعداد قابل توجهی معلول ناشی از جنگ تحمیلی، حوادث ناشی از رانندگی و کار و هم چنین وجود معلولین مادرزادی همانند بسیاری از کشورها با این

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

مشکل دست به گریبان است. بدین منظور ارگان‌های زیادی در کشور بـه طـور مـستقیم و غیر مستقیم در خدمت امور مربوط به حمایت از معلولان می‌باشند. مجلس شورای اسلامی با تصویب ماده واحده به دولت اجازه داد تا به کنوانسیون حقـوق اشـخاص معلـول ۲۰۰۶ ملحق شود اما در تبصرهٔ ۲ ماده واحدهٔ حق شرطی برای خود قائل شد.[۱]

حق شرط، رزرو یا حق تحفظ یکی از حقوقی است که ممکن است در معاهـدات مختلـف بین المللی پیش بینی شود. کنوانسیون وین ۱۹۶۹ در مـورد حقـوق معاهـدات کـه معـروف بـه «معاهدهٔ معاهدات» است، حق شرط یا رزرو را این چنین تعریف می‌کنـد: «حـق شـرط عبـارت است از اعلامیهٔ یک جانبه‌ای است که یک کشور تحت هر نام یا به هر عبارت در موقع امـضاء، تصویب، پذیرش یا تأیید یا الحاق به یک معاهده صادر می‌کند و به وسیلهٔ آن قصد خود را دایر بر عدم شمول یا تعدیل آثار حقوقی بعضی مقررات معاهده نسبت به خود بیان می‌دارد.»

کنوانسیون حقوق اشخاص معلول ۲۰۰۶ ایـن چنـین حقـی را بـرای دولـت‌هـا مـورد شناسایی قرار می‌دهد. مادهٔ ۴۶ این کنوانسیون به دولت‌های عضو اجازهٔ اعمال حق شرط یا رزرو را می‌دهد و مقرر می‌دارد که: « ۱. شـروط (رزروهـای) مغـایر بـا موضـوع و هـدف کنوانسیون مجاز نخواهد بود. ۲. شروط (رزروهای) در هر زمان قابل بازپس‌گیری است.»

تبصرهٔ ۲ ماده واحده قانون الحاق ایران به کنوانسیون ۲۰۰۶ مقرر می‌دارد: «با توجـه بـه مادهٔ ۴۶ کنوانسیون، جمهوری اسلامی ایران خـود را ملتـزم بـه رعایـت آن دسـته از مفـاد کنوانسیون که مغایر با موازین حقوقی جاری خود باشد، نمی‌داند.» اِعمال چنین شروطی از طرف دولت ایران تنها محدود به کنوانسیون ۲۰۰۶ نمی‌شود زیرا قبل از ایـن نیـز در مـورد کنوانسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان و همچنین کنوانسیون حقوق کودک وجود داشته است.

۱ـ قانون تصویب الحاق به کنوانسیون حقوق اشخاص معلول ۲۰۰۶ مشتمل بر ماده واحدهٔ منضم به مـتن کنوانـسیون در جلسهٔ علنی روز چهارشنبه مورخ سیزدهم آذرماه یکهزار و سیصد و هشتاد و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۷/۱۰/۴ به تأیید شورای نگهبان رسید.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

اصولاً پیش بینی این چنین حقی در کنوانسیون برای کشورها، دارای این مزیت است که بدین وسیله کشورهای شرکت کننده در عهدنامه افزایش می‌یابند و دامنهٔ الحاق گسترده می‌شود، ولی بر عکس این عیب را نیز به همراه خواهد داشت که ممکن است اعمال آن به صورت گسترده موجب از دست دادن یکپارچگی آن سند شود.

رویهٔ دولت جمهوری اسلامی ایران در قبال الحاق به اسناد بین المللی از جمله کنوانسیون ۲۰۰۶ معمولاً با اِعمال حق شرط همراه بوده است. پر واضح است که مقررات کنوانسیون چنین حقی را برای دولت‌ها به رسمیت شناخته است اما امروزه برتری و ترجیح مقررات داخلی نسبت به مقررات بین المللی از اقبال چندانی برخوردار نیست و به همین دلیل نیز می‌تواند موجب مسئولیت بین المللی دولت‌ها شود.

اِعمال حق شرط به صورت کلی و عام یکی دیگر از چالش‌ها مربوط به رویهٔ مرسوم دولت جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. برای مثال در مورد کنوانسیون حقوق کودک در ماده واحدهٔ الحاق آن آمده است: «کنوانسیون حقوق کودک ... تصویب و اجازهٔ الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به آن داده می‌شود، مشروط به آن که مفاد آن در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی قرار گیرد، از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم الرعایه نباشد.»

به کارگیری عبارات و واژگان کلی می‌تواند به نحوی موجب سردرگمی سایر طرفین معاهده در پذیرش و عدم پذیرش حق شرط اعلام شدهٔ مزبور گردد. در ماده واحدهٔ مربوط به تصویب کنوانسیون ۲۰۰۶، مجلس شورای اسلامی اجازهٔ تودیع اسناد تصویب این سند را موکول به عدم التزام به رعایت آن دسته از مفاد کنوانسیون که مغایر با «موازین حقوقی جاری» ایران باشد، می‌داند. به عبارت دیگر، تودیع اسناد تصویب کنوانسیون حقوق اشخاص معلول توسط دولت منوط به اعمال شرط تعیین شده از طرف مجلس شورای اسلامی می‌باشد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

عام و کلی بودن شروط وارده به کنوانسیون و استناد به حقوق داخلی یکی از بزرگ‌ترین معایب اِعمال حق شرط می‌باشد زیرا این شروط به سادگی می‌توانند کنوانسیون را از موضوع و هدف اصلی خود دور کنند. به عبارت دیگر اعتبار حق شرط با موضوع و هدف معاهده بستگی دارد و این شروط نباید با موضوع و هدف معاهده در تعارض باشد.

هدف اصلی از تدوین کنوانسیون ۲۰۰۶ ارتقاء، حمایت و تضمین بهره‌مندی برابر و کامل افراد دارای معلولیت از کلیهٔ حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین و ارتقاء احترام نسبت به منزلت ذاتی آن‌ها می‌باشد. بهره‌مندی از کلیهٔ حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین برای تمامی ابناء بشر اعم از معلول و غیر معلول در اسناد حقوق بشری به رسمیت شناخته شده است.

حال با این اوصاف این پرسش مطرح می‌شود که اساساً چه ضرورتی برای تدوین کنوانسیون ۲۰۰۶ وجود داشته است در حالی که دولت‌ها به صورت عام تعهداتی در قبال هدف پیش گفته در سایر اسناد حقوق بشری نسبت به تمامی افراد بر عهده گرفته‌اند[۱].

قرار دادن این موضوع به عنوان هدف کنوانسیون صرفاً به خاطر وضعیت و موقعیت آسیب پذیر معلولین بوده، کما این که این امر در مورد زنان و کودکان[۲] نیز صادق است

کنوانسیون اصولی را احصاء کرده که با رعایت آن‌ها می‌توان به اهداف مندرج در کنوانسیون نائل شد. به عبارت دیگر دولت‌ها با تکیه بر این اصول قادر به بهره‌مند ساختن برابر و کامل افراد دارای معلولیت را از کلیهٔ حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین تسهیل می‌کنند. احترام به منزلت ذاتی، عدم تبعیض، مشارکت کامل و مؤثر، برابری فرصت‌ها، دست رسی، برابری زن و مرد و غیره جملگی بخشی از این اصول هستند که دولت‌ها با

۱ـ مادهٔ ۲۵ اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر اشعار می‌دارد «هر کس حق دارد که سطح زندگانی سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش را از حیث خوراک و مسکن و مراقبت‌های طبی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند و هم چنین حق دارد که در مواقع ... نقص عضو... یا در تمام موارد دیگری که به علل خارج از اراده انسان وسائل امرار معاش از دست رفته باشد از شرایط آبرومندانه، زندگی برخوردار شود.»

۲ـ نک به: مادهٔ ۲۳ کنوانسیون حقوق کودک.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

تکیه بر آن باید تعهدات کلی مندرج در مادهٔ ۴ کنوانسیون[1] را به اجرا گذارند. همـان طـور

۱ـ مادهٔ ۴ کنوانسیون زیر عنوان «تعهدات کلی» مقرر می‌دارد:
۱ـ دول عضو متعهدند اجرای کامل تمام حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین کلیهٔ اشخاص معلول را بدون هیچ گونه تبعیض مبتنی بر معلولیت تضمین و ارتقاء دهند. بدین منظور دولت‌ها متعهدند:
الف) تمام تدابیر مناسب نظام تقنینی، اداری یا غیر آن را برای به اجرا گذاشتن حقوق شناخته شده در این کنوانسیون به تصویب برسانند.
ب) تمام تدابیر مناسب، از جمله تدابیر تقنینی، برای اصلاح، نسخ یا ابطال قوانین، آئین نامه‌ها، عرف‌ها و رویه‌هایی که منبع تبعیض نسبت به اشخاص معلول می‌باشد، اتخاذ گردد.
ج) در تمام سیاست‌ها و برنامه‌ها، حمایت و ارتقاء حقوق انسانی اشخاص معلول مورد توجه قرار گیرد.
د) از تمام اعمال و اقدامات مغایر با این کنوانسیون خودداری کنند و اطمینان حاصل نمایند که مقامات عمومی و نهادها مطابق با این کنوانسیون عمل می‌کنند.
ه) تمام تدابیر مناسب برای حذف تبعیض مبتنی بر معلولیت اعمال شده توسط فرد، سازمان یا مؤسسهٔ خصوصی اتخاذ می‌گردد.
و) انجام یا تشویق تحقیقات و توسعهٔ وسائل، خدمات، تجهیزات و تأسیسات، مطابق با تعریف ارائه شده در مادهٔ ۲ این کنوانسیون، که باید به حداقل ممکن انطباق و کم‌ترین هزینه برای پاسخ‌گویی به نیازهای خاص معلولین نیاز داشته باشند و عرضه و استفاده از این وسائل، خدمات، تجهیزات و تأسیسات و داخل کردن آن در توسعهٔ هنجارها و دستورالعمل تشویق گردد؛
ز) تحقیق و توسعه و تشویق عرضه و استفاده از فن آوری‌های جدید، شامل فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، وسایل کمک حرکتی، دستگاه‌ها و ملزومات و فن آوری‌های کمکی متناسب با اشخاص معلول با اولویت دادن به فن آوری‌های ارزان قیمت را انجام و تشویق نمایند؛
ک) اطلاعات قابل دسترس در رابطه با کمک‌های حرکتی، دستگاه‌ها و ملزومات و فن آوری‌های کمکی، شامل فن آوری‌های جدید و سایر اشکال کمکی، خدمات همراه و تجهیزات برای اشخاص معلول تهیه کنند؛
ل) به منظور بهبود بخشیدن به تعهد کمک رسانی و خدمات تضمین شده توسط این حقوق، آموزش‌های حقوق شناخته شده در این کنوانسیون برای متخصصین و کارکنانی که با اشخاص معلول کار می‌کنند، تشویق کنند.
۲. در مورد حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، هر دولت عضو متعهد است با حداکثر منابعی که در اختیار دارد در چارچوب همکاری‌های بین المللی به منظور تضمین تدریجی اجرای کامل این حقوق، بدون خدشه وارد کردن به تعهدات اعلام شده در این کنوانسیون که به موجب حقوق بین الملل به صورت فوری قابل اجرا هستند، عمل کند.
۳. در تهیه و اجرای قوانین و سیاست‌های مصوب به منظور اجرای این کنوانسیون و هم چنین پذیرش هر تصمیمی در خصوص مسائل اشخاص معلول، دول عضو به طور تنگاتنگ با معلولین مشورت می‌کنند و این اشخاص را که شامل کودکان معلول می‌شود، به طور فعالانه از طریق سازمان‌های نمایندهٔ آن‌ها شرکت می‌دهند.
۴. هیچ یک از مقررات این کنوانسیون خدشه‌ای به مقررات مناسب‌تر در اعمال حقوق اشخاص معلول که می‌تواند در قوانین یک دولت عضو یا حقوق بین الملل لازم الاجرا در مورد این دولت وجود داشته باشد، وارد نمی‌کند. هیچ محدودیت یا خللی به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین شناخته شده یا لازم الاجرا در یک دولت عضو این کنوانسیون به موجب قوانین، کنوانسیون‌ها، آئین نامه‌ها یا عرف‌ها، به بهانهٔ این که این کنوانسیون این حقوق و آزادی‌ها را به رسمیت نمی‌شناسد یا درجهٔ اهمیت کم‌تری دارد، نمی‌توان مورد پذیرش قرار داد.
۵. مقررات این کنوانسیون بدون محدودیت و هیچ استثنایی در مورد تمام واحدهای سازندهٔ دول فدراتیو اعمال می‌شود.»

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

که مشخص است این کنوانسیون در زیر بندهای «الف» و «ب» بند اول مادهٔ ۴ اتخاذ تدابیر تقنینی جهت به اجرا گذاشتن مفاد کنوانسیون را لحاظ شده است. به کارگیری واژهٔ رعایت «موازین حقوقی جاری» کشور در ماده واحده مربوط به تودیع اسناد تصویب کنوانسیون می‌تواند به منزلهٔ نوعی عدم تعهد ایران نسبت به بازنگری و اصلاح قوانین موضوعه‌اش تلقی شود. به عبارت دیگر، ایران هیچ گونه تعهدی نسبت به انطباق مقررات داخلی خود با مفاد کنوانسیون ندارد. حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا این چنین شرطی اساساً و ماهیتاً با موضوع و هدف معاهده منافات ندارد؟

برای پاسخ‌گویی به چنین پرسشی، دو مادهٔ کلیدی ۱۸ و ۱۹ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ در ارتباط با این پرسش قابل تأمل است. مادهٔ ۱۸ به‌طور خاص مربوط به خودداری دولت‌ها از اقداماتی است که در تضاد با موضوع و هدف معاهده می‌باشد. در حالی که ماده ۱۹ به تنظیم حق اعمال شرط (رزرو) توسط دولت‌ها اختصاص یافته است.

در صدر ماده ۱۹ کنوانسیون وین، بر عام بودن قاعدهٔ اعمال حق شرط توسط کشورها تاکید می‌شود در حالی در بندهای ذیل این ماده به طور صریح به استثنائات وارد بر این قاعده عام اشاره شده است. بند «ج» این ماده مقرر می‌دارد: «در غیر موارد مشمول بندهای «الف» و «ب»، وقتی که شرط (رزرو) با موضوع و هدف معاهده مغایرت داشته باشد.»

با توجه به این اوصاف مشخص شد که هیچ تردیدی در خصوص اجازهٔ اعمال حق شرط توسط کشورها از جمله ایران در مورد کنوانسیون حقوق اشخاص معلول وجود ندارد. در واقع، مشکل اساسی مربوط به آن موارد و مصادیقی است که دولت خواهان اِعمال حق شرط نسبت به آن‌ها می‌باشد.

با الحاق به کنوانسیون معلولین، دولت ایران موظف است تعهدات خود را در قبال آن سند انجام دهد به عبارت دیگر الحاق به کنوانسیون موجب آثار حقوقی نسبت به تمامی ارکان دولت ـ کشور می‌شود. لذا قوای سه گانه کشور باید مقدمات اجرای سند مزبور را فراهم کرده و آن را در مورد همهٔ ارکان حکومتی و غیر حکومتی و افراد عادی به اجرا

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

گذارند. اجرای مفاد کنوانسیون بدین معنا است دولت ملحق شونده اقدامات عملی در خصوص سند مزبور انجام دهد به عبارت دیگر اگر در حقوق داخلی مقرراتی متعارض با کنوانسیون وجود داشته باشد باید این مقررات را نسخ و یا آن را با توجه به مفاد کنوانسیون اصلاح کند.

همان‌طورکه پیش از این نیز ذکر شد مخاطب اصلی این کنوانسیون افراد معلول می‌باشند و به همین خاطر تلاش شده است تا حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این افراد تضمین گردد. لذا تعهد و تکلیف اصلی بر دوش دولت ملحق شوند به کنوانسیون است و باید بستر مناسبی برای تحقق این حقوق فراهم نماید.

کنوانسیون ۲۰۰۶ معلولین با تأسی از میثاقین ۱۹۶۶[1]، حقوق افراد معلول را به تفصیل در مواد ۸ تا ۳۰ کنوانسیون تشریح کرده است. تمامی حقوق مندرج در کنوانسیون در جای خود از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردارند اما تحقق برخی از این حقوق می‌تواند زمینه ساز اجرای سایر حقوق باشد. طبعاً حق حیات در وهلهٔ اول از جایگاه والایی برخوردار است و بدون آن سایر حقوق پوچ و بی‌معنا می‌نماید. آزادی و امنیت فردی و شناسایی و برخورداری از حقوق برابر در مقابل قانون از موارد دیگری است که مورد اهتمام تدوین کنندگان کنوانسیون قرار گرفته است. در حوزهٔ حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، آموزش و اشتغال معلولین نقش تعیین کننده‌ای دارد و با تحقق این حقوق می‌توان امیدوار شد تا بخش عمده‌ای از مشکلات معلولین مرتفع شود.

۱ـ لازم به ذکر است که حقوق‌دانان غربی، حقوق بشر را با الهام از میثاقین مقوله‌بندی کرده و آن را به سه مقوله‌ی حقوق مدنی و سیاسی (حقوق آزادی)، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (حقوق برابری) و سرانجام حقوق همبستگی (برادری) تقسیم کرده‌اند.

در مقوله اول حقوق بشر نقش دولت بیشتر محدود به تسهیل اجرای این حقوق می‌گردد. مقوله دوم حقوق بشر، همان حقوق برابری است که در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آمده است. در این مقوله، بر عکس مقوله اول، دولت‌ها باید مداخله کنند زیرا بدون مداخله ی جدی دولتها حقوق مزبور محقق نخواهد شد. سرانجام مقوله سوم حقوق بشر است که تحقق آن منوط به همکاری همه‌ی بازیگران اعم از دولتی و غیر دولتی خواهد بود.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

پس در این بخش تعهدات دولت خیلی سنگین خواهد بود و در عین حال سنجه بسیار مناسبی جهت ارزیابی اقدامات دولت در انجام تعهداتش نسبت به کنوانسیون تلقی می‌شود.

بعد از شناخت اجمالی تعهدات دولت نسبت به معلولین جا دارد به اقدامات انجام شده در قالب قانون جامع حمایت از معلولین بپردازیم.

بخش چهارم، از تصویب قانون جامع حمایت از معلولین تا تحقق اهداف کنوانسیون حقوق اشخاص معلول

یکی از اقدامات دولت ایران در راستای حمایت از حقوق معلولین، تصویب « قانون جامع حمایت از معلولین» در سال ۱۳۸۳ می‌باشد. از حیث تاریخی تصویب این قانون نسبت به زمان الحاق ایران به کنوانسیون حقوق اشخاص معلول ۲۰۰۶ تقدم دارد. تنظیم چنین قانونی در کشور ما به عنوان نقطهٔ عطفی در نظام حقوقی ایران تلقی می‌شود. پرسش مهم این است که تا چه حد قانون جامع حمایت از معلولین مصوب ۱۳۸۳ که قبل از کنوانسیون ۲۰۰۶ به تصویب رسیده است، مطابقت دارد؟

از نظر کمیت این قانون متشکل از ۱۶ ماده است که در قیاس با کنوانسیون حقوق اشخاص معلول ۲۰۰۶ خیلی محدودتر است. از حیث محتوا نیز کنوانسیون خیلی عمیق‌تر از قانون جامع حمایت از معلولین می‌باشد.

مطابق قانون جامع حمایت از معلولین، « معلول به فردی گفته می‌شود که به تشخیص کمیسیون پزشکی سازمان بهزیستی، بر اثر ضایعهٔ جسمی، ذهنی، روانی یا توأم، اختلال مستمر و قابل توجهی در سلامت و کارآیی عمومی وی ایجاد گردد، به طوری که موجب کاهش استقلال او در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی شود.» (قانون جامع حمایت از معلولین، ۱۳۸۳: تبصره ماده ۱) در این ماده علاوه بر تعریف معلول، به طور صریح مرجع صالح برای تشخیص معلولیت را مشخص کرده است. بدین ترتیب کمیسیون پزشکی سازمان بهزیستی به عنوان مقام صلاحیت‌دار در خصوص معلولیت و نوع آن اعم از جسمی، ذهنی، روانی یا توأمان بودن آن معلولیت‌ها تصمیم می‌گیرد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

صدر مادهٔ ۱ قانون جامع حمایت از معلولین مقرر می‌دارد: « دولت موظف است زمینه‌های لازم را برای تأمین حقوق معلولان فراهم و حمایت‌های لازم را از آنان به عمل آورد.» در اولین نگاه به صدر مادهٔ ۱ مشخص می‌شود که این مطلب بیش‌تر جنبهٔ آرمانی دارد. از آن جا که قانون جامع حمایت از معلولین دارای دیباچه نمی‌باشد و اگر قرار می‌بود دیباچه‌ای داشته باشد، به احتمال قریب به یقین، صدر مادهٔ ۱ این قانون در دیباچه درج می‌گردید زیرا از کلیت خیلی زیادی برخوردار است.

محتوای قانون جامع حمایت از معلولین دلالت بر نگرانی‌هایی دارد که قانون گذار آن‌ها را مورد توجه قرار داده است. اگر بخواهیم به دغدغه‌های اصلی این قانون اشاره بکنیم سه موضوع فرصت‌های برابر، اشتغال و آموزش بیش از هر چیز دیگری در این قانون خودنمایی می‌کنند. لذا به منظور روشن شدن بیش‌تر موضوع در ذیل به اختصار به بررسی آن خواهیم پرداخت.

الف) فرصت‌های برابر

برابری فرصت‌ها در بهره مندی از حقوق در اغلب اسناد مربوط به حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته است. در این قانون تلاش شده تا این برابری فرصت‌ها از منظر افراد معلول و غیر معلول مورد توجه قرار گیرد. در مادهٔ ۲ این قانون کلیهٔ وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی را موظف کرده است تا به نحوی عمل نمایند که امکان دست‌رسی و بهره مندی برای معلولان همچون افراد عادی فراهم شود. بدین منظور کلیهٔ نهادها و سازمان‌ها باید در طراحی، تولید و احداث ساختمان‌ها و اماکن عمومی و معابر و وسایل خدماتی این موضوع را مورد توجه قرار داده به نحوی که معلولین بتوانند برای مثال از اماکن عمومی، ورزشی، تفریحی، معابر و وسایل خدماتی موجود بهره مند گردند. لذا به منظور استفاده معلولین از این مراکز باید استانداردهای خاصی رعایت شود. عدم رعایت این استانداردها موجب خودداری

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

شهرداری‌ها از صدور پروانهٔ احداث و پایان کار برای واحدهایی می‌شود که این استانداردها را زیر پا گذاشته‌اند. در ضمن سازمان بهزیستی کشور مجاز است بر امر مناسب‌سازی ساختمان‌ها و اماکن دولتی و عمومی دستگاه‌های مذکور در ماده ۲ نظارت و گزارشات اقدامات آن‌ها را درخواست نماید.

ب) اشتغال

مادهٔ ۷ در جهت کمک به اشتغال معلولین می‌باشد و به همین دلیل دولت را موظف به ایجاد فرصت‌های شغلی برای افراد معلول می‌کند. مطابق این ماده دولت باید تسهیلاتی دربارهٔ اختصاص حداقل سه درصد از مجوزهای استخدامی (رسمی، پیمانی، کارگری) دستگاه‌های دولتی و عمومی اعم از وزارتخانه‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات، شرکت‌ها، نهادهای عمومی و انقلابی و دیگر دستگاه‌هایی که از بودجهٔ عمومی کشور استفاده می‌نمایند را برای افراد معلول واجد شرایط در نظر بگیرد. علاوه بر این، دولت جهت به کارگیری افراد معلول تدابیر دیگری نیز اندیشیده است تا بدین وسیله کارفرمایان را ترغیب به استخدام ایشان کند. این تدابیر بیش‌تر در قالب تسهیلاتی هم چون، پرداخت حق بیمه و پرداخت تسهیلات اعتباری به واحدهای تولیدی، خدماتی، عمرانی و صنفی که افراد معلول را به کار می‌گیرند، محقق می‌شود. در ضمن پرداخت تسهیلات اعتباری خوداشتغالی (وجوه اداره شده) به افراد معلول، پرداخت تسهیلات اعتباری (وجوه اداره شده) جهت احداث واحدهای تولیدی و خدماتی اشتغال‌زا به شرکت‌ها و مؤسساتی که بیش از شصت درصد سهام و سرمایهٔ آن‌ها متعلق به افراد معلول است و در نهایت اختصاص حداقل شصت درصد از پست‌های سازمانی تلفن چی (اپراتور تلفن) دستگاه‌ها، شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی به افراد نابینا و کم بینا و معلولان جسمی، حرکتی و همچنین اختصاص حداقل شصت درصد از پست‌های سازمانی متصدی دفتری و ماشین نویسی دستگاه‌ها، شرکت‌ها و نهادهای عمومی به معلولین جسمی، حرکتی از جمله تسهیلات دیگری است که دولت برای این مهم در نظر گرفته است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

ج) آموزش

در رابطه با آموزش دو موضوع حمایت قانونی از کارگاه‌های آموزشی، تولیـدی و حمـایتی معلولان و هم چنین آموزش رایگان معلولان مورد توجه می‌باشد. برابر مادهٔ ۳ قانون جـامع حمایت از معلولین «سازمان بهزیستی کشور موظف به انجام اقدامات زیر مـی‌باشـد: الـف. تأمین خدمات توان‌بخشی، حمایتی، آموزشی و حرفه آموزی مورد نیاز معلولان با مشارکت خانواده‌های معلولان و همکاری بخش غیر دولتی (خصوصی، تعاونی، خیریه) و پرداخـت یارانه (کمک هزینه) به مراکز غیر دولتی و خانواده‌ها. ب. گسترش مراکز خاص نگهـداری، آموزشی و توان‌بخشی معلولان واجد شـرایط (معلـولان نیازمنـد، معلـولان بـی‌سرپرسـت، معلولان مجهول الهویه، معلولان با ناهنجاریهای رفتاری) با همکاری بخـش غیـر دولتـی و پرداخت تسهیلات اعتباری و یارانه (کمک هزینه) بـه آن‌هـا. ج. تـأمین و تحویـل وسـایل کمک توان‌بخشی مورد نیاز افـراد معلـول. د. گـسترش کارگـاه‌هـای آموزشـی، حمـایتی و تولیدی معلولان و ارائه خدمات توان‌بخشی حرفه‌ای به معلولان جهت توانمندسازی آنان.» دومین مورد در رابطه با آموزش معلـولین، رایگـان بـودن آمـوزش اسـت. قـانون اساسـی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌کند که « دولت موظف است وسـایل آمـوزش و پـرورش رایگان را برای همهٔ ملت تا پایان دورهٔ متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.» (قانون اساسـی، ۱۳۶۸: اصـل ۳۰) آموزش رایگان یکی از حقوقی است که برای کلیهٔ افراد ملت، اعم از معلول و غیر معلـول، مورد شناسایی واقع شده است. در همین راستا مـاده ۸ قـانون جـامع حمایـت از معلـولین اشعار می‌دارد: « معلولان نیازمند واجد شرایط در سنین مختلف می‌توانند با معرفی سـازمان بهزیستی کشور از آموزش رایگان در واحدهای آموزشی تابعه وزارتخانـه‌هـای آمـوزش و پـرورش، علـوم، تحقیقـات و فـن‌آوری، بهداشـت، درمـان و آمـوزش پزشـکی و دیگـر دستگاه‌های دولتی و نیز دانشگاه آزاد اسلامی، بهره‌مند گردند.»

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

اگر به دقت قانون جامع حمایت از معلولین را مورد مطالعه قرار دهیم، نکته‌ای که بیش از هر چیز دیگر توجه ما را به خود جلب می‌کند همان پر رنگ بودن جنبه‌های حمایتی این قانون از حیث مسائل اقتصادی می‌باشد. موضوعاتی چون تسهیلات نیم بها (مادهٔ ۴)، پرداخت تسهیلات اعتباری (مواد ۷ و ۹)، کمک هزینه (ماده ۱۰) و غیره نشان‌گر رویکرد حمایتی این قانون می‌باشد.

علی رغم نقاط قوت قانون جامع حمایت از معلولین، خلاءهایی هم در آن وجود دارد که باید رفع شود. شاید بتوان ادعا کرد یکی از موضوعات غایب در قانون جامع حمایت از حقوق معلولان عدم توجه به موضوع پیش‌گیری باشد. پیش‌گیری از این منظر دارای دو جنبه است که در ادامه به تجزیه و تحلیل آن خواهیم پرداخت.

الف) پیش‌گیری از اقداماتی که موجب بروز ناتوانی و معلولیت می‌شوند. ب) پیش‌گیری از بزه دیدگی معلولین.

منظور از پیش‌گیری نوع اول، به واقع همان اقدامات احتیاطی و پیش‌گیرانه است. بی‌تردید عصری که ما در آن زندگی می‌کنیم، عصر خطرات است. این خطرات به طور بالقوه همراه همیشگی فعالیت‌ها و اقدامات انسانی می‌باشند. در واقع پیش‌گیری در این خصوص مربوط به زمانی است که سلامت نسبی وجود دارد و عملاً با ناتوانی و معلولیت روبرو نیستیم. برای مثال عدم به کارگیری کمربند ایمنی در زمان رانندگی می‌تواند برای سرنشین خودرو عواقب خطرناکی چون نفص عضو و معلولیت به همراه داشته باشد و یا عدم رعایت بهداشت و کنترل و مراقبت‌های پزشکی ضروری در زمان بارداری و پس آن می‌تواند سبب معلولیت‌هایی برای کودک گردد. به طور کلی عدم رعایت برخی از استانداردها و نظامات حرفه‌ای شدیداً سلامت افراد را تهدید می‌کنند.

به منظور جلوگیری از این حوادث باید آموزش‌های لازم و بسترسازی فرهنگی صورت گیرد زیرا اصولاً علاج واقعه قبل از وقوع آن خیلی آسان‌تر است و از این طریق می‌توان از آثار و تبعات منفی آن جلوگیری کرد یا این که آن را به حداقل رساند. البته لازم به ذکر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

است که سیاست‌های پیش‌گیرانهٔ آموزشی در همهٔ زمینه‌ها مطرح هستند و تنها محـدود بـه این موضوع نیست.

حال آن که پیش‌گیری نوع دوم مربوط به زمانی است که معلولیت عملاً وجود دارد. به عبارت دیگر جامعه باید اقدامات پیش‌گیرانه‌ای جهت حمایت از افراد معلول به عمل آورد. ناتوانی جسمی یا روحی فرد از یک طرف و وضعیت و موقعیـت سـنی و جنـسیتی وی از طرف دیگر دو عامل مهمی هستند که فرد را بـه شـدت آسـیب پـذیر مـی‌کننـد. وضـعیت جسمی و روحی فرد معلول به سادگی وی را در معرض خطرات زیادی قـرار دهـد. عـدم قدرت و توانایی لازم جهت دفاع از خود یکی از دلایلی است که ایشان را تبدیل بـه یکـی از آماج سهل الوصول بزه‌کاران می‌کند. این امر در مورد کودکان و زنان معلـول بـه مراتـب بدتر است.

در حوزهٔ امور کیفری یا جرایم توسط معلولین صورت می‌گیرند و یا این که خود مبدل به بزه دیدهٔ جرایم می‌شوند. در ایـن جـا بنـا نـداریم وارد مباحـث صـرف حقـوق جـزا و جرم‌شناسی شویم و تنها به فراخور موضوع بدان اشاره خواهیم کرد.

در این جا حالت دوم یعنی زمانی که فرد معلـول، بـزه‌دیـدهٔ جـرایم اسـت مـورد نظـر ماست. در هر حال دستگاه قضایی باید نسبت به نقض مقررات از خود واکنش نشان دهـد و با مرتکبین اعمال مجرمانه مبارزه کند. همان طور که در بالا ذکر شد به طور کلی معلولین به جهت موقعیت و ناتوانی جسمی یا روحی همانند سـایر افـراد قـادر بـه مقابلـه بـه جـرایم ارتکابی نسبت به آن‌ها نیستند. بی‌تردید با وقوع جرم و در پی آن یعنی از بدو طـرح شـکایت تا پایان دادرسی و صدور و اجرای حکم، معلولین با مشکلات زیادی روبرو می‌شوند و بـدین جهت اتخاذ تدابیر مناسب مهم می‌نماید. در وهلهٔ اول باید تلاش کرد تا اقدامات پـیش‌گیرانـه جهت در معرض قرار نگرفتن آن‌ها و یا به حداقل رساندن آن صورت پذیرد.

به نظر می‌رسد رگه‌هایی از حمایت معلولین در قانون مجازات اسـلامی وجـود داشـته باشد. بند ج ماده ۲۰۶ این قانون مقرر می‌دارد: «مواردی که قاتل قصد کشتن ندارد و کاری

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

را که انجام می‌دهد نوعاً کشنده نیست ولی نسبت به طرف بر اثـر بیمـاری و یـا پیـری یـا ناتوانی یا کودکی و امثال آن‌ها نوعاً کشنده باشد و قاتل نیز به آن آگاه باشد.» به نظر برخی وضع چنین مقرره‌ای در مورد جرم قتل عمد حاکی از توجه قانون‌گذار کیفـری بـه نـاتوان بزه‌دیده است.(نباتی، ۱۳۸۹)

به هر تقدیر آن چه که در خصوص پیش‌گیری از بزه‌دیدگی معلولین اهمیت دارد اعلام اجباری جرائم ارتکابی علیه معلولین(سماواتی پیروز، ۱۳۸۴) و حتی اعـلام قریـب الوقـوع بودن آن می‌تواند اقدام مؤثری در این باره باشد. در حقوق جزای فرانسه این امر به نحـوی مورد شناسایی واقع شده است؛ ماده ۳-۴۳۴ قانون جزای این کشور مقرر مـی‌دارد: «اقـدام هر کس با علم به سوء رفتار ... یا تعرض‌های جنسی تحمیلی به کودک نوباوهٔ تـا ۱۵ سـال یا به شخصی که به دلیل سن، بیماری یا **ناتوانی**، نقـصان جـسمی یـا روانـی یـا وضـعیت حاملگی‌اش قادر به حفاظت از خود نیست، با عدم اطلاع رسانی به مقـام‌هـای قـضایی یـا اداری، مستوجب ۳ سال حبس ساده و چهل و پنج هزار یورو جزای نقدی است....»

چنین رویکردی در مقررات کیفری ایـران و قـانون جـامع حمایـت از معلـولین مـورد شناسایی واقع نشده است و جای آن خالی است. با وجود کاسـتی‌هـای موجـود در قـانون جامع حمایت از حقوق معلولین، باید اذعان داشت که در نظام حقوقی ایران این قـانون بـه عنوان اولین قانونی است که به طور مستقیم حمایت از حقوق معلولان را مورد توجه قـرار داده است. با الحاق ایران به کنوانسیون حقوق اشخاص معلول در اواخر سـال ۲۰۰۹، مفـاد کنوانسیون مزبور نیز مطابق با ماده ۹ قانون مدنی ایران[1] در حکم قانون محسوب مـی‌شـود. لذا دولت ایران در غیر مواردی که تمایلی به تطبیق مقررات داخلی با مقـررات کنوانـسیون ندارد باید تلاش کند تا اقدامات لازم جهت پیروی و تضمین مؤثر تعهـدات پذیرفتـه شـده بین‌المللی‌اش به عمل آورد. انتخـاب وزارت رفـاه و تـأمین اجتمـاعی (سـازمان بهزیـستی

۱ـ مطابق ماده ۹ قانون مدنی « مقررات عهودی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است.»

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

کشور) و بنیاد شهید و امور ایثارگران در ماده واحدهٔ اجازهٔ الحاق ایران به کنوانسیون حقوق اشخاص معلول، در راستای اجرای مفاد ماده ۳۳ کنوانسیون بوده است. ماده ۳۳ کنوانسیون مربوط به اجرا و نظارت در سطح ملی می‌باشد. این ماده، دولت‌ها را مکلف به ایجاد یک یا چند هسته مرکزی برای مسائل مربوط به اجرای این کنوانسیون می‌کند. نکته قابل توجه در فرایند اجرا و نظارت این است که کنوانسیون به طور مستقیم به مشارکت بازیگران غیر دولتی در کنار بازیگران دولتی توجه کرده است زیرا در مادهٔ ۳۳ مقرر می‌دارد که « جامعهٔ مدنی به خصوص اشخاص معلول و سازمان‌های نمایندهٔ آن‌ها به طور کامل در روند نظارت همکاری و مشارکت می‌کنند.»(Convention on the Rights of the Persons with Disabilities, 2006: Art. 33) البته لازم به ذکر است که تحقق مشارکت کامل و برابر معلولین مستلزم این امر است که خود این افراد نیز در قالب تشکل‌های غیردولتی به موازات سازمان بهزیستی و بنیاد شهید و امور ایثارگران نقش کلیدی و حیاتی در تدوین خط و مشی‌های ملی داشته باشند که مستقیماً مربوط به مسائل معلولین و تأثیر گذار در زندگی آن‌ها است. سازمان‌های غیردولتی معلولین همانند سایر سازمان‌های غیر دولتی دیگر به عنوان یکی از بازیگران اصلی عرصهٔ اجتماعی در زمینهٔ مسائل مربوط به معلولان است که خوشبختانه در کنار دولت و بخش خصوصی گسترش روز افزونی داشته و دارد.

نتیجه‌گیری

در یک نگاه می‌توان ادعا کرد که «کنوانسیون مربوط به حقوق اشخاص معلول» مصوب ۲۰۰۶ گامی بسوی ارتقاء و توسعهٔ موازین حقوق بشر تلقی می‌شود. دستگیری از ایشان نه از باب ترحم بلکه از منظر حقوق و در قالب سندی بین المللی محقق گردید. اهداف بلند پروازانهٔ این کنوانسیون نوید بخش شناسایی حقوق این افراد در پهنهٔ حقوق بین الملل می‌باشد. کنوانسیون ۲۰۰۶ حقوق جدیدی به حقوق شناخته شده در اسناد حقوق بشری اضافه نمی‌کند بلکه بیش‌تر بر تضمین و رعایت و احترام به حقوق موجود تأکید دارد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

نقض حقوق معلولین در سطح جهان باعث شده تا جامعهٔ بین المللی در قالب این کنوانسیون از دولت‌ها درخواست کند تا تدابیر ملی جهت حمایت از حقوق این قشر آسیب پذیر را اتخاذ کنند. پس عضویت دولت‌ها در این کنوانسیون گام مؤثری برای رفع مشکلات معلولین تلقی می‌شود. تضمین و رعایت این حقوق و حمایت مؤثر از معلولین منوط به عزم دولت‌ها جهت به کار بستن مفاد این سند جهان شمول می‌باشد. با پذیرش و تصویب پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق اشخاص معلول، همکاری دولت‌ها با کمیته حقوق اشخاص معلول مستحکم می‌شود و در نتیجه با انجام اقدامات لازم جهت به اجرا در آمدن مقررات کنوانسیون، موجبات تحقق عینی اهداف مشخص شده در کنوانسیون فراهم می‌گردد.

پس، دولت‌ها سهم عمده‌ای در توسعه و حمایت از افراد معلول دارند. رسیدگی به مشکلات اجتماعی شدید معلولین و توسعهٔ حضور آنان در امور مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در گرو اتخاذ تدابیر مناسب دولت است. تدوین مقررات جدید در راستای اصلاح و بازنگری مقررات موجود در سطح ملی به منظور مطابقت با مفاد کنوانسیون از اهمیت زیادی برخوردار خواهد بود. با رعایت دقیق تعهدات پذیرفته شده کنوانسیون و ایجاد نهادهای ملی لازم جهت پیگیری و نظارت بر رعایت این مقررات می‌توان امیدوار بود تا نفی تبعیض، برابری فرصت‌ها، دسترسی معلولین، برابری زنان و مردان و به طور کلی مشارکت فعالانهٔ بزرگ‌ترین اقلیت غیر نژادی در امور مختلف محقق شود.

علی رغم اِعمال حق شرط نسبت به کنوانسیون ۲۰۰۶ مربوط به حقوق اشخاص معلول، الحاق ایران به این سند را باید به فال نیک گرفت. البته ایران قبل از این که به این کنوانسیون ملحق شود در حقوق داخلی خود مقرراتی را به حمایت از معلولین در قالب «قانون جامع حمایت از معلولین» اختصاص داده بود. به نظر می‌رسد مقررات این قانون بیش‌تر جنبهٔ مالی و اعتباری دارد و بیش‌تر در صدد تحقق بخشی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی معلولین می‌باشد. مقررات پیش بینی شده در قانون مزبور لازم هستند

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

اما کافی نیستند و باید با اصلاح و بازنگری در آن قانون و سایر قوانین، کاستی‌ها و خلاءهای آن پُر شود. تقویت مقررات این قانون و سایر مقررات پراکندهٔ موجود می‌تواند وضعیت معلولین را بهبود بخشد که در زیر به بخشی از آن‌ها در حقوق ایران اشاره می‌شود:

الف) بازنگری و تکمیل قانون جامع حمایت از معلولین در راستای مفاد کنوانسیون ۲۰۰۶ از جمله مواردی است که باید مورد اهتمام مقنن قرار گیرد. وجود قوانین و مقررات کیفری منسجم و هماهنگ حمایت مؤثری نسبت به بزه‌دیدگان خاص و آسیب پذیر به عمل خواهد آورد.

ب) در راستای تحقق سیاست جنایی پیش‌گیرانه، موضوع پیش‌گیری از بزه‌دیدگی معلولین در دستور کار قرار گیرد.

ج) به منظور حمایت از معلولین مقرراتی در حقوق جزای شکلی و ماهوی پیش بینی شود. کما این که در مورد کودکان و تا حدودی در مورد زنان چنین مقرراتی وجود دارد. به صورت مشخص در مقررات جزایی جرم انگاری شود و جرایم ارتکابی و ضرب و جرح علیه ایشان مشمول تشدید مجازات قرار گیرد. درج اعلام اجباری جرایم ارتکابی علیه معلولین یکی از موارد حیاتی است که باید به طور خاص در حقوق جزای شکلی مورد توجه قرار گیرد. ناتوانی و موقعیت آسیب پذیر بزه‌دیدگان معلول ایجاب می‌کند تا شرایط اعلام جرم و پیگیری آن در دستگاه قضایی تسهیل شود. از رهگذر اعلام اجباری وقوع جرایم ارتکابی علیه معلولین و یا حتی وجود زمینهٔ ارتکاب چنین جرایمی در صورت مطلع شدن می‌تواند کمک شایانی به پیش‌گیری از وقوع و تکرار چنین جرایمی گردد.

لذا دولت ایران با استفاده از کنوانسیون ۲۰۰۶ و همچنین تجربهٔ ارزندهٔ سایر کشورها در این زمینه می‌تواند کاستی‌های موجود در قانون جامع حمایت از معلولین را مرتفع سازد. به منظور بهبود این قانون و تحقق عملی سایر حقوق معلولین شایسته است

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

پیشنهادات بالا در بازنگری و اصلاح احتمالی قانون جامع حمایت از معلولین لحـاظ شـود تا بدین وسیله دولت ایران نشان دهد که نسبت به تعهدات پذیرفته شدهٔ بین المللـی‌اش در این خصوص به صورت مؤثر پایبند می‌باشد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

منابع و مآخذ

References

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- قانون جامع حمایت از معلولین
- قانون مدنی
- سماواتی پیروز، امیر.(۱۳۸۴)، «ناتوانان بزه‌دیده؛ از بایسته‌های جرم‌شناختی تا قوانین و مقررات کیفری»، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۵۲-۵۳
- علوی، سید حسین. (۱۳۸۴)، **سازمان‌های غیر دولتی افراد دارای معلولیت، توانمندسازی یا نیازمند سازی،**

http: //www.shabcheragh.ir/BANK/enabling-versis-disabling.pdf

- نباتی، نگار.(۱۳۸۹)، **حمایت از اشخاص دارای معلولیت در نظام بین المللی** حقوق بشر، انتشارات شهر دانش

- Assemblée générale des Nations Unies (2006), **Convention relative aux droits des personnes handicapées**, ONU.
- Assemblée générale des Nations Unies (1969), **Convention de Vienne sur le droit des traités**,ONU.
- Assemblée générale des Nations Unies (1971), **Déclaration des droits du déficient mental**,ONU.
- Assemblée générale des Nations Unies (2006), **Protocole facultatif à la Convention relative aux droits des personnes handicapées**, ONU.
- **Assemblée parlementaire du Conseil de l'Europe** (2009), Recommandation 1854 sur l'accès aux droits des personnes handicapées et leur pleine et active participation dans la société, Conseil de l'Europe.
- **Secrétaire Général du Conseil de l'Europe (2009)**, Arrêté n° 1297 relatif aux mesures spéciales pour le recrutement des personnes handicapées, Conseil de l'Europe.
- Code pénal, France
- **Conseil de l'Europe (2007)**, Résolution 227 sur l'accès des personnes handicapées aux infrastructures et espaces publics, Conseil de l'Europe.
- Organisation international du travail (2002), La gestion du handicap sur le lieu de travail, Bureau international du Travail.
- **Organisation international du travail** (1985), Convention concernant la réadaptation professionnelle et l'emploi des personnes handicapées,OIT.
- Zani, M. (2008), La Convention de l'O.N.U. relative aux droits des personnes handicapées, **Revue de droit international et de droit comparé**.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]